



شریعتمداری از معضلات نپیوستن به «گروه ویژه اقدام مالی» می گوید

# نپیوستن به (FATF) هزینه های اقتصادی کلانی دارد

اما مخالفان می گویند نپیوستن به (FATF) هزینه ای برای کشور ندارد و ما می توانیم بدون تصویب این لوائح هم کارهای اقتصادی خود را دنیا را انجام دهیم...

یک معامله معمولی به مراتب افزایش می دهند. همچنین در کنار فروشنده ها، کسانی که می خواهند کالایی را برای ما حمل کنند نیز به همین ترتیب می گویند ایرانیان نمی توانند پول خود را به شیوه مطمئن پرداخت کنند، لذا هزینه نقل و انتقال بار و کالا را نیز برای ما افزایش می دهند. همه اینها در مجموع هزینه قابل ملاحظه اقتصادی را به نظام و به مردم تحمیل می کند. مضافاً اینکه بر اساس این شیوه ها گاهی خرید کالا، خرید خدمات یا نقل و انتقال کالا اساساً غیر ممکن می شود. یعنی در برخی خریدها که منابع خرید ما سنگین است، اگر نتوانیم از طریق سیستم بانک های جهان اقدام کنیم، عملاً آن خرید غیر ممکن می شود. به عنوان مثال؛ در طرح های توسعه ای ما نیازمند یک مشارکت بین المللی هستیم که فقدان اینگونه ارتباط، این مشارکت ها را متوقف می کند. این موضوعات مواردی نیست که از نظر صاحب نظران اقتصادی دور باشد و آنها را نبینند. حتماً آنها از این مشکلات مطلع هستند. به همین دلیل طی دوران گوناگون، وزرای مختلف از آقای شمس الدین حسینی (در دولت آقای احمدی نژاد) تا آقای طیب نیا (در دولت آقای روحانی) برای پیوستن به (FATF) تلاش کردند.

... اگر ما کشور خود را از مجموعه قواعد پذیرفته شده نظام بانکی و به این ترتیب از خود نظام بانکی دنیا استثناء کنیم، در این صورت و البته به ناچار، واسطه هایی برای نقل و انتقالات پول بین ایران و جهان پیدا می شوند که صرفاً ها، مؤسسه های مالی گمنام و بانک های کوچکی که سرمایه آنها اندک است، از آن جمله هستند. یک ویژگی این مؤسسه ها، صرافی یا بانک های کوچک این است که اگر تحریم شوند یا با آنان برخورد شود، برای شان اهمیت فوق العاده ای ندارد؛ لذا اگر ما نتوانیم به صورت سالم و بر اساس قواعد (FATF) با نظام بانکی دنیا کار کنیم، این قبیل مؤسسات در زمینه نقل و انتقالات مالی منابع کشور مهمی مانند ایران فعال خواهند شد. آنها برای انجام این کار حتماً پول های اضافه تری را از ایران درخواست کرده یا پول های بیشتری را صورتحساب می کنند. این افزایش هزینه مبادلات در زمان تحریم گاه به ۲۰ درصد هم افزایش یافت. در کنار آن، کسانی که در کشورهای مختلف دنیا به ما کالا می فروشند، از آنجایی که می دانند ما امکان پرداخت نقد و از طریق نظام بانکی به آنان نداریم، چیزی به نام «شیوه فروش ویژه به ایران» یا به اصطلاح (IRANIAN TERM) مطرح می کنند که مطابق آن قیمت کالای خود را نسبت به

هفته گذشته وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در توثیتی خواستار تصویب لوائح مربوط به پیوستن ایران به (FATF) «گروه ویژه اقدام مالی» شد. شریعتمداری در این توثیت دو استدلال ارائه کرد؛ نخست اینکه با انتشار تصویر نامه شمس الدین حسینی، وزیر اقتصاد دولت دهم نشان داد که پیوستن به (FATF) مسئله ای فرا جناحی و خواست همه دولت ها بوده است. مضاف بر آن، او با تکیه بر تجارب شرکتهای زیر مجموعه این وزارتخانه، هزینه انزوای ایران از نظام بانکی جهانی را بالا توصیف کرد. وی معتقد است که در صورت تصویب نشدن این لوائح، ایران نه تنها از نظر اقتصادی منزوی خواهد شد - و این در شأن هجدهمین اقتصاد دنیا نیست - بلکه هزینه خرید کالا یا خدمات و انتقال آنها به کشور نیز به مراتب افزایش خواهد یافت. در ادامه این گفت و گور با خوانید.

گزارش

چرا وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی کشورمان به این نتیجه رسیده که باید دغدغه خود مبنی بر پیوستن ایران به (FATF) را مطرح کند؟

را تصویب نکردند و از نظر آنان به این معنا است که این کشور با نظام بانکی شفافیت ندارد. بنابر فرض این سازمان، وقتی این قواعد یا ضوابط در این کشور تصویب نشده و از سوی بانک های آنها اجرا نمی شود، این احتمال وجود دارد که اقتصادهای سیاه مانند قاچاق در آن کشورها وجود داشته باشد. بنابر این بر اساس این ضوابط، نظام بانکی بین المللی را می ترسانند یا به آنان نسبت به همکاری با نظام بانکی این کشورها، مانند ایران هشدار می دهند.

به طور کلی ضوابط بانکی و اقتصادی تعیین شده از سوی (FATF) به عنوان قواعد بین المللی برای همه نظام های بانکی در دنیا لازم الاجرا است. اگر کشورها عضو این نظام یا رعایت کنند این مجموعه قواعد شناخته نشوند، در فهرست کشورهای خاکستری یا سیاه نظام بانکداری جهانی قرار می گیرند. به این معنا که شوری بانکداری (FATF) این کشورها (یا بانک های این کشورها) را در زمره بانک هایی تعریف و تعیین می کند که این کشورها قوانین ذی ربط

بنابر این برای اینکه ایران متهم به داشتن یک اقتصاد سیاه نشود، باید این مجموعه قواعد یا لوائح باقیمانده را تصویب کند؟

فروشنده می رسد یا کامل حمل می شود، وجود ندارد. بنابر این تنها راه ممکن و سالم در عصر حاضر، مسیر مبادلات بین بانکی است. اگر ما در چنین شرایطی، مسیر دیگری برویم، غیر از مسیری که همه دنیا یا بیش از ۱۸۰ کشور به مسیر دیگری رفتند و به قاعدهای پیوستند، از این مسیر نرویم، استثناء شویم و بگوییم ما، این کار را نمی کنیم، نتیجه این خواهد بود که ما امکان همکاری بانکی با نظام جهانی را پیدا نمی کنیم.

البته امروز وضعیت اقتصادی ایران؛ هم با توجه به تعامل سازنده ای که مورد تأکید رهبر معظم انقلاب است و هم از این جهت که در دنیای امروز امکان زندگی منزوی بدون ارتباط با دنیا، لاقلاً با همسایگان فعال اطراف خودمان وجود ندارد، بسیار ضروری است. ضمن اینکه دیگر امکان اینکه ما پول خرید کالا و خدمات را از طریق غیربانکی منتقل کنیم، آن هم به صورت کاملاً ساده و مطمئن شویم پول به دست خریدار یا

آیا شرکت های زیر مجموعه شما گزارشی داده اند که ما به دلیل نپیوستن به (FATF) با مشکلاتی در نقل و انتقال پول بین بانک های ایران و بانک های دیگر کشورها مواجه شده ایم؟

اگر تحریم ها را هم بردارند و شما هنوز به (FATF) نپیوسته باشید، ما نمی توانیم با شما همکاری کنیم. همین حالا ما را تهدید می کنند که در صورت نپیوستن به این قواعد و (FATF) با شما کار نخواهیم کرد؛ اما چون ما همچنان مهلت تصویب لوائح را داریم، هنوز آثار واقعی قرار گرفتن در فهرست سیاه (FATF) و وقتی می خواهیم واکنس کرونا وارد کنیم، می بینیم در نقل و انتقال پول با مشکل مواجه می شویم که بخشی از آن به تحریم بازمی گردد، اما همان هایی که امروز به خاطر تحریم با ما کار نمی کنند، به ما می گویند

امروز کشور ما دچار یک بیماری سه گانه تحریم، کرونا و اخیراً (FATF) است. سهم هر کدام از این معضلات در عدم نفع ها یا در زیان های وارده به کشور به طور دقیق مشخص نیست، اما هر کدام از اینها، یعنی تحریم یا قرار گرفتن در فهرست سیاه (FATF) به طور طبیعی است، اما به طور طبیعی اینها، یعنی تحریم یا قرار گرفتن در فهرست سیاه (FATF) شبیه هم دارد

نکته

با راه اندازی اورژانس کسب و کار انجام شد

بازگشت ۳۰۰ هزار نفر چرخه اشتغال

سال گذشته به دلیل شیوع کرونا بسیاری از کسب و کارها و بنگاه های اقتصادی دچار مشکل شدند. در این بین لزوم حفظ واحدهای اقتصادی و حمایت از فعالان و شاغلان به جهت بقا و ماندگاری در بازار و صیانت از نیروهای کار بیش از پیش احساس می شد، بر همین اساس اورژانس کسب و کار از سوی وزارت کار راه اندازی شد. اورژانس کسب و کار ایده ای بود که با همکاری مؤثر جهاد دانشگاهی و با هدف حمایت و صیانت از بنگاه های اقتصادی و حفظ اشتغال نیروهای کار آغاز به کار کرد. رویکرد اورژانس کسب و کار توجه به واحدهای کسب و کار است و از آن می توان در دوره های اضطرار اقتصادی و طبیعی استفاده کرد.

آن طور که وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی می گوید با راه اندازی اورژانس کسب و کار تلاش شده تا از ریزش سالانه ۳۰۰ هزار نیروی کار جلوگیری و سیاست گذاری ها در حوزه اشتغال کارآمدتر شود. وی می گوید: «گزارش اورژانس کسب و کار قابلیت ارائه در دولت را دارد؛ به همین جهت باید ارتباط تنگاتنگی بین اورژانس کسب و کار و ستاد تسهیل و رفع موانع تولید به وجود بیاید تا این مجموعه به رسمیت شناخته شود.»

به گفته شریعتمداری از طریق اورژانس کسب و کار حداقل ۵۰ درصد از واحدهای تعطیل شده نجات یافته و از تعطیل شدن آنها جلوگیری می شود.

در حال حاضر بسیاری از فعالان اقتصادی و تولیدکنندگان با مشکلات متعددی همچون قوانین و بخشنامه ها، مقررات زائد و محل کسب و کار، عوارض و مالیات و چالش های حقوقی و گمرکی و بانکی مواجه هستند که اورژانس کسب و کار می تواند راهگشای رفع این مشکلات از پیش روی تولیدکنندگان باشد.

رئیس مرکز ملی پایش سیاست ها و برنامه های اشتغال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی می گوید: «به منظور حفظ اشتغال موجود و جلوگیری از ریزش نیروهای کار مقرر شد سیستم هشدارای ایجاد شود تا واحدهای اقتصادی و بنگاه هایی که به نوعی با مشکل مواجه هستند قبل از تعدیل نیروی کار این مشکلات را در میان بگذارند تا با راهکار مناسب از بیکاری ۳۰ درصد نیروهای کار جلوگیری شود.» به گفته وی، تمام کسب و کارها به صورت رسمی و غیررسمی مخاطب اورژانس کسب و کار هستند و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مصمم است از این طریق بنگاه های غیررسمی را به بنگاه رسمی تبدیل کند؛ چرا که این امر به توسعه اقتصاد و بازار کار کشور منجر خواهد شد.

کارشناسان معتقدند ایجاد اورژانس کسب و کار در شرایط کنونی یک ایده مؤثر و راهگشا است و می تواند بستر مناسبی در جهت خدمات دهی به کسب و کارهای آسیب دیده، جلوگیری از تعطیلی واحدهای تولیدی و احیای بنگاه ها در مواقع بحرانی باشد. در حال حاضر با توجه به نامگذاری شعار اسال و لزوم حمایت از تولیدگران، ضرورت پیوند بین اورژانس کسب و کار و کار گروه های رفع موانع تولید و ستادهای تسهیل بیش از گذشته احساس می شود.

برخی ها نگران این موضوع هستند که در صورت پیوستن به (FATF) اطلاعات ما به خارج منتقل شود، به ویژه اطلاعاتی که از نظر امنیت ملی برای ما مهم است.

نمی خواهیم به آنها دسترسی پیدا کنند، پیشنهاد عملیاتی کرد، اما موضوع اصلی که باید به آن توجه کرد، انتخاب بین دو گزینه است؛ پیوستن به اقتصاد جهانی یا نپیوستن به اقتصاد جهانی.

حوزه های کاری و عملکرد محمد شریعتمداری از ابتدای انقلاب مشخص است. این نکته از این رو اهمیت دارد که برخی از مخالفان پیوستن ایران به (FATF) به گونه ای بر خورد می کنند که گویی افراد یا وزرای حامی پیوستن ایران به (FATF) خائن هستند یا در بهترین حالت، واقعیت ها را نمی دانند و مخاطرات را نمی بینند. شما چگونه به رغم همه فشارهایی که برای تصویب نشدن لوائح مربوط به (FATF) وجود ندارد، وارد شدید و از تصویب این لوائح حمایت کردید؟

نیازمند واردات برخی کالاهای واسطه ای و سرمایه ای می هستیم. در این صورت، قطع کردن ارتباط بانکی ما با دنیا غیر ممکن است. قطع ارتباط اقتصاد ایران با نظام بانکی دنیا و انزوای ایران بزرگ، با ابعادی که اقتصاد ایران دارد، امر غیرمقدوری است. مگر می شود کشوری با این ابعاد فعالیت اقتصادی، به عنوان هجدهمین اقتصاد جهان را منزوی نگه داشت؟ حتماً کشور ما باید در تعامل با اقتصاد جهانی کار کند. از این رو، این یک وظیفه و تکلیف من است. به عنوان یک کارگزار و به عنوان یک خدمتگزار نظام جمهوری اسلامی ایران که در جاهای گوناگون فعالیت کرده، احساس می کنم اگر در این زمینه سکوت کنم، شاید برخی از مؤمنان، رفقا و دوستان بگویند اگر این قضیه اینقدر اهمیت دارد، چرا فلاتی درباره آن صحبتی نکرد؟ ما برای اینکه بگوییم نظر ما هم همین است، در این زمینه اظهار نظر کردیم. نظر ما این است که باید با رعایت همه قواعد، اصول و حفظ استقلال جمهوری اسلامی ایران، شرایط مطلوب برای همکاری با اقتصاد بین الملل را فراهم کنیم.

من در این زمینه احساس تکلیف و وظیفه می کنم. به عنوان یک ایرانی که دل در گرو این ملت و این آب و خاک دارد و می داند بخشی از مسائلی که امروز به مردم فشار می آورد، ناشی از هزینه های این نوع اتفاقات و مربوط به افزایش هزینه های مبادلات اقتصادی است که باعث می شود کالاها گران تر به دست مردم برسد، وظیفه خود دانستم در این زمینه ورود کنم؛ اما همان طور که گفتم، بسیاری معتقدند اساساً بدون (FATF) هیچ مشکلی برای اقتصاد ایران ایجاد نمی شود. واقعیت این است که ما همچنان در تأمین بخشی از مواد اولیه مورد نیاز خود برای قرار دادن آنها در فرایند تولید و تبدیل به یک کالای نهایی، نیازمند تعامل با دنیا و نیازمند واردات این مواد اولیه هستیم، همان طور که نیازمند صادرات هستیم و باید محصولات خود را بیش از نیاز جمعیت ۸۰ میلیونی کشور تولید کرده، به کشورهای دیگر صادر کنیم تا منابع ارزی کشور را تأمین کنیم و در ادامه، از طریق این منابع ارزی بتوانیم سایر نیازهای خود را تأمین کنیم. از سوی دیگر، در کنار واردات مواد اولیه از خارج،